

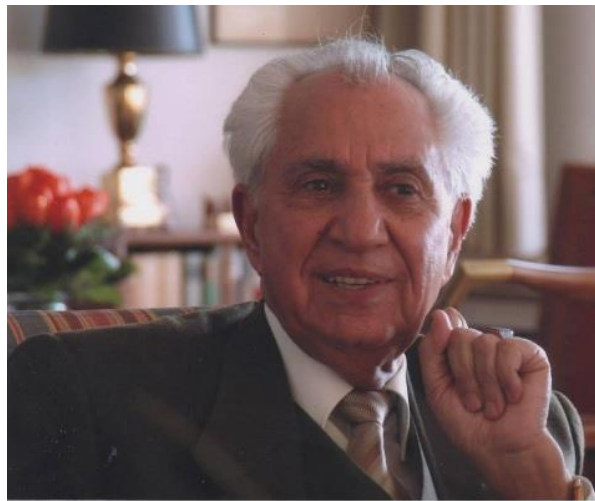


۲۰۱۸/۱۲/۲۰



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## حیدر به بارگاہ داور پیوست!



## دینغ و درد که «حیدر» به حکم داور رفت

دوره های پرشور جوانیست، در وطن، صدراعظم دیکتاتور که در زمامداری اش گفته می شد احتیاط کنید که دیوارها موش و موش ها گوش دارند، زمام را به همتای نسبتاً دیموکرات سپرد و مردم اندکی احساس آسایش کردند. بلی در دوران صدارت مرحوم شاه محمود خان، آزادی مطبوعات با انتشار جراید ملی و انتخابات وکلای ولسی جرگه و دیگر آزادی های نسبی به مردم میسر گردید.

در جریان این آزادی ها محصلین پوهنتون کابل هم، اتحادیه محصلین را به راه انداختند که با دایر نمودن هفته یکبار کنفرانس در سالون کنفرانس های لیسه استقلال واقع در چمن لیسه مذکور، مرکز تجمع مردمان درد رسیده کابل، حتی اطراف کابل هم می گردید.

من که با درد های جامعه، نوشتن منظومه های انتقادی را مشق می کردم، مسدسی به عنوان «موتر شش گزه» سروده و با اجازه از هیأت کلتوری اتحادیه محصلین در روز جمعه اول میزان ۱۳۲۹ شمسی در برابر جمعیت غفیری از اشتراک کنندگان قرائت کردم که با گرمجوشی بی نظیری استقبال گردید.

«حیدر داور» که در آن فرصت «نورس» تخلص می کرد و به «بلبل اتحادیه محصلین» مشهور و محبوب بود، مرا بیشتر از همه تشویق کرد و درسی خوبی برای مبارزه و سرودن مطالب انتقادی به من داد، آشنائی و دوستی ما از همان نقطه آغاز گردید.

مرحوم «حیدر داور» بعد از تحصیل، با استعداد فطری که داشت مدارج پیشرفت و ترقی را تا مقام وزارت مالیه افغانستان پیمود. دست قضا و قدر ما را در غربت و مهاجرت، در شهر بن پایتخت المان غرب، همشهری ساخت که با درد مشترک در عشق وطن با هم دیدار و در محافل یاد بود از وطن اشتراک می کردیم. مرگش ضایعه جبران ناپذیری ست برای وطن و دوستانش، روحش شاد، جایگاهش فردوس برین و یادش جاودانه گرامی بادا:

## ز نخبگان وطن، حسرتا که «داور» رفت

رفیق مشفق و دانای دوست پسر رفت

کسی که عشق وطن نضلت و شاعرش بود

به سینه درد و به دل داغ و شور در سر رفت

بود چو رسم حقیقت، ازین جهان رفتن

دینغ و درد که «حیدر» به حکم داور رفت



حیدر به بارگاه داور پیوست

[Assir\\_nacim\\_haidar\\_babaargaah\\_dawar\\_raft.pdf](#)